



A Framework for Applying Cultural History to the Analysis of Rural History in Contemporary Iran (A Methodological and Source-Critical Approach)

Mohammad Amir Ahmadzadeh¹

Department of Cultural History, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

Received: 2026/02/24 Received in revised form: 2026/07/13 Accepted: 2026/07/29 Published: 202?/?/??

Abstract

The contemporary history of Iran—particularly the examination of the village's role within the nation's history—requires serious re-reading and rethinking. In contrast to traditional history—which is centered on politics, the capital, and the city—one can employ new interdisciplinary models and methods to re-examine and reveal the underlying layers of historical meaning. The present study aims to examine the nature of cultural history and the methodological and source-related possibilities it offers for the study and research of rural history in Iran. The findings indicate that cultural history is an interdisciplinary approach seeking to highlight the role of culture in the analysis of "historical realities"; it grounds the discovery of meaning and the representation of knowledge in a cultural analysis based on an understanding of the cultural contexts in which events occur. This field of knowledge contributes significantly to expanding the thematic and source-related scope of historical scholarship; it enables the historian to re-read official documents "against the grain"—thereby recovering silenced voices—and to view the material and intangible culture of the village as a text and a source worthy of study. While the social history of the village focuses on structures and quantitative data—such as land ownership, taxation, and population—cultural history centers on meanings, symbols, representations, and the lived experiences of the villagers. Thus, this approach offers powerful methodological and source-analytical tools for interpreting the history of the village—a subject often underrepresented in official Qajar-era documents. Within this framework, culture is read and decoded as a text, where in every action, object, or ritual serves as a signifier of meaning and a source for cultural inquiry.

Key Words: Cultural history, rural history, contemporary Iran, modern historiography.

Cite as: "A Framework for Applying Cultural History...". Iranian History of Culture. 202?; ?(?): ?-??.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2026.71474.1162

¹ . Corresponding Author: Associate Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

الگوی کاربست تاریخ فرهنگی برای تحلیل تاریخ روستا در ایران معاصر (رویکردی روش‌شناختی و منبع‌شناختی)

محمدامیر احمدزاده^۱

گروه تاریخ فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ انتشار: ۱۴۰۶/۰۹/۰۴

چکیده

تاریخ معاصر ایران بویژه بررسی جایگاه روستا در تاریخ این سرزمین، نیاز به بازخوانی و بازاندیشی جدی دارد. برخلاف تاریخ سیاست محور، پایتخت محور و شهرمحور سنتی، می‌توان از الگوها و روش‌های میان‌رشته‌ای جدید برای این بازخوانی و بازنمایی لایه‌های معنایی و زیرین تاریخ، بهره گرفت. مساله پژوهش حاضر این است که بررسی نماید؛ تاریخ فرهنگی چیست و چه امکانات روش‌شناختی و منبع‌شناختی برای مطالعه و پژوهش تاریخ روستا در ایران دارد؟ دستاورد بحث نشان می‌دهد که تاریخ فرهنگی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که درصدد برجسته کردن نقش فرهنگ در تحلیل «واقعیت‌های تاریخی» است و تحلیل فرهنگی بر اساس شناخت بسترهای فرهنگی وقوع حوادث را مبنای کشف معنا و بازنمایی معرفت قرار می‌دهد. این حوزه دانشی به بسط حوزه موضوعی و منبع‌شناختی دانش تاریخ، بسیار کمک می‌کند و اجازه می‌دهد تا مَورخ، اسناد رسمی را «برخلاف جهت»، بازخوانی نماید تا بدین ترتیب، صداها و خاموشی‌ها را بازتابی کند و به فرهنگ مادی و معنوی روستا به مثابه یک متن و منبع قابل مطالعه بنگرد. اگر تاریخ اجتماعی روستا به دنبال ساختارها و داده‌های کمی همچون مالکیت زمین، مالیات و جمعیت و ... است، تاریخ فرهنگی به معناها، نمادها و بازنمایی‌ها و تجربه زیسته مردم روستا تمرکز می‌کند؛ لذا این رویکرد می‌تواند برای خوانش تاریخ روستا که در اسناد رسمی دوره قاجار کمتر انعکاس داشته به ارایه امکانات قدرتمند روش‌شناسی و منبع‌شناسی می‌پردازد. در این رویکرد، فرهنگ به مثابه متن، خواننده و رمزگشایی می‌شود و هر کنش، شی، و یا آیینی، نشانه‌ای حامل معنا و منبعی برای پژوهش فرهنگی است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فرهنگی، تاریخ روستا، ایران معاصر، تاریخ‌نگاری مدرن.

نحوه ارجاع: محمدامیر احمدزاده (۱۴۰۴). "الگوی کاربست تاریخ فرهنگی برای تحلیل تاریخ روستا در ایران معاصر". تاریخ فرهنگ ایران. ۴۴(۲): ۴۴-۴۹.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2026.71474.1162

تاریخ فرهنگی در ایران غالباً با الهام از مکتب تاریخ نگاری آنال و رویکردهای میان رشته‌ای تعریف می‌شود و از طریق نگرش‌های میان‌رشته‌ای همچون «تاریخ ذهنیات» به دنبال بازنمایی اندیشه‌ها و باورهای جوامع گذشته است. تاریخ فرهنگی به دنبال این است که بکاود مردم در ادوار گوناگون تاریخی چگونه زندگی می‌کرده، به چه چیزهایی معتقد بودند و چه آداب و رسوم داشتند؟ در این منظر فرهنگی، اساساً فرهنگ دیگر یک پدیده لوکس و سطحی نیست بلکه نظامی معنابخش است که همه لایه‌های زندگی اجتماعی اعم از سیاست و اقتصاد تا زندگی روزمره و روابط فردی را شامل می‌شود.

پیشینه و روش تحقیق

پیشینه پژوهش در باب تاریخ روستا در ایران از ادبیات نسبتاً نیرومند و فربه‌ای برخوردار است؛ سهراب یزدانی (۱۴۰۱) در کتاب «روستاییان و مشروطیت ایران»، محمد بختیاری (۱۴۰۳) در کتاب «جامعه روستایی ایران در دوره قاجار»، مرتضی فرهادی در کتاب «تاریخ اجتماعی روستاها در ایران»، صادق هدایت (۱۴۰۳) در کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران»، هانری ماسه (۱۳۸۷) در کتاب‌های انسان‌شناختی مردم‌شناسانه برای تحلیل دوره قاجار، رضا حکیم خراسانی (۱۳۸۴) در کتاب «فرهنگ واژه‌های عامیانه در دوره قاجار»، کاظم موسوی بجنوردی (۱۴۰۲) در کتاب «دانشنامه فرهنگ مردم ایران» و مواردی دیگر را می‌توان از جمله ادبیات تحقیقی دانست که از حیث کلیت موضوعی با پژوهش حاضر در ارتباط هستند اما از حیث رویکرد و روش چندان همخوانی با این کار ندارند. نگارنده در اینجا درصدد است تا به طرح روش‌شناسی و منبع‌شناسی به عنوان الگویی برای انجام پژوهش فرهنگی درباره روستا اقدام نماید که عمده پیشینه فوق‌الذکر، فاقد این رویکرد و روش هستند. این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل تاریخی است و درصدد ارایه چارچوبی روش‌شناختی و منبع‌شناختی برای تحقیق در تاریخ فرهنگی روستا در ایران معاصر است.

بحث (متن مقاله)

۱. تاریخ فرهنگی چیست؟

رویکرد تاریخ فرهنگی در اروپا در واکنش به تاریخ‌نگاری سنتی قرن نوزدهم شکل گرفت زیرا آن رویکرد عمدتاً به مطالعه کنش‌های دولت‌مردان و نخبگان سیاسی (تاریخ رویدادمحور)، و با روشی پوزیتیویستی می‌پرداخت؛ حال آنکه در رویکردهای جدید اساساً، مساله‌ی محوری، تحلیل ساختارهای فرهنگی و اجتماعی برجسته شد. در رویکرد مورخان فرهنگی، فرهنگ نه صرفاً بازتابی از اقتصاد بلکه عاملی مستقل و تاثیرگذار در شکل‌دهی به تاریخ تلقی می‌شود. این امر ناشی از «چرخش فرهنگی»^۱ بود که در اواخر قرن بیستم در علوم انسانی رخ داد و نگاه به فرهنگ را به کلی دگرگون ساخت (برک، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۶). در ادامه روند این تحولات شاهد آن هستیم که جریان‌های فکری اعم از پس‌ساختارگرایی، مفاهیمی همچون زبان، معنا و قدرت را در کانون تحلیل‌های تاریخی خود قرار دادند (کلارک، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۹). تاریخ فرهنگی با کنش‌گری چندین نسل از مورخان و متفکران رشد و نمو پیدا کرد؛ یاکوب بورکهارت^۲ (۱۸۱۸-۱۸۹۷م) را می‌توان به عنوان پیشگام این حوزه برشمرد.

^۱ . Cultural Turn

^۲ . Jacob Burckhardt

مقاله پژوهشی

این مورخ سوئیزی در کتاب دوران ساز خود با عنوان «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» نشان داده که چگونه می‌توان یک مقطع تاریخی همچون رنسانس را در تمامیت آن بررسی کرد و آنرا با نهادهای اجتماعی، زندگی روزمره و اقتصاد پیوند زد.^۱

مرحله بعدی از تحولات دانشی که باعث رونق بیش از پیش رویکرد تاریخ فرهنگی شد را باید در ظهور مکتب آنال جستجو کرد؛ این مکتب همانا انقلابی مهم در تاریخ‌نگاری قرن بیستم بود و بر تاریخ توده‌ها و کلان‌تاریخ یعنی بر تحلیل ساختارهای اجتماعی - اقتصادی متمرکز بود. این سنت فکری باعث ورود تدریجی فرهنگ به متن تاریخ شد و موسسان آن همچون مارک بلوخ و لوسین فور به دنبال پاسخ به پرسش‌های مهم از طریق بررسی تحولات «ساختاری» بودند. میشل فوکو هم با طرح مفاهیمی نوین همچون تبارشناسی و ... به ارایه چارچوبی جدید برای تحلیل نهادها و هویت‌های اجتماعی همت گمارد (محمدی اصل، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۷).

۲. روش‌شناسی تاریخ فرهنگی

روش‌شناسی تاریخ فرهنگی بر چند ویژگی مهم و کلیدی استوار است؛ الف) رویکرد میان‌رشته‌ای؛ در واقع، تاریخ فرهنگی بر خلاف تاریخ سنتی به بهره‌گیری از روش‌ها و بینش‌های سایر رشته‌ها اعم از انسان‌شناسی، جغرافیا، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و ... می‌پردازد. ب) رویکرد تاریخ از پایین: در تاریخ فرهنگی بر مردم عادی و تاریخ مردم محور استوار است. همچنین آداب و رسوم، جشن‌ها، پوشاک، غذا، باورهای عامیانه، موسیقی و هنرهای مردمی را به مثابه اسناد تاریخی مورد مطالعه قرار می‌دهد. ج) تفسیر و نشانه‌شناسی: تاریخ فرهنگی به دنبال کشف معنا است. این رویکرد ضمن استفاده از روش‌های تفسیری و هرمنوتیکی و نشانه‌شناسی به رمزگشایی از نمادها و آیین‌ها و کنش‌های فرهنگی می‌پردازد (ویلیامز، ۱۹۸۱: ۱۵-۱۷).

۳. روش‌شناسی تاریخ فرهنگی روستا

منظور از روش‌شناسی تاریخ فرهنگی، کاربست مجموعه‌ای از رویکردها و فنون برای «مطالعه معنا در گذشته» است. در اینجا پرسش محوری این گونه طرح می‌شود که؛ مردم در یک مقطع تاریخی چگونه جهان را معنا می‌کردند و نمادها، آیین‌ها و داستان‌های زندگی آنان را سامان می‌داد؟. در هر پژوهش فرهنگی باید چند اصل را مدنظر قرار داد؛ **الف) توضیح:** در اینجا باید گفت که فرهنگ به مثابه متن تلقی می‌شود. یعنی فرهنگ همچون یک کتاب است که باید آنرا رمزگشایی کرد. در واقع، در تحلیل فرهنگی اساساً هر کنشی یا شی یا آیینی را نماد و نشانه‌ای باید در نظر گرفت که حامل معنا است. باید واقعیت و فرهنگ را با استفاده از روش کیفی، مشابه یک متن تفسیر کرد (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۵۶-۲۵۷). **ب) تاریخ از پایین:** این اصل به ما می‌گوید برای درک معانی تاریخی باید به مطالعه مردم بپردازیم. این گروه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که معنا تولید می‌کنند. لذا مطالعه الگوی زیست کارگران، روستاییان، عشایر و حاشیه‌نشینان به همان اندازه تاریخ شاهان و نخبگان اهمیت مطالعه دارد. **ج) میان رشته‌ای بودن:** در واقع، در این که تاریخ فرهنگی رویکردی میان‌رشته‌ای است تردیدی نیست. میان‌رشته‌ای بودن ناگزیر از استفاده از ابزارهای انسان‌شناسی، نشانه‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات، روان‌کاوی و ... است. **د)**

۱. بنگ پد به؛ یاکوب بورکهارت، فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، ۱۴۰۱.

مقاله پژوهشی

رَدّ جبرگرایی در تاریخ فرهنگی: به این معنا که جبر اقتصادی و یا جبر جغرافیایی به تنها عامل تاریخ ساز نیستند بلکه فرهنگ هم عاملی مستقل و تاثیرگذار است.

در واقع، روش‌شناسی تاریخ فرهنگی روستا را ترکیبی از روش‌های تاریخی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی تشکیل می‌دهد که با تمرکز بر جنبه‌های فرهنگی اعم از آداب و رسوم، سنت‌ها، زبان، موسیقی، هنرهای دستی، باورها و نمادها به بررسی تکامل روستا در طول زمان می‌پردازد (مالینوفسکی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۴ و ۱۶۲). مهم‌ترین ویژگی این روش‌شناسی، رویکرد کل‌نگر و زمینه‌یابی تاریخی- اجتماعی است؛ روش تاریخ شفاهی که مهم‌ترین روش برای بازنمایی تاریخ خاندانی، طایفه‌ای، و روایت‌های فرهنگی روستاها است و روایت‌های شفاهی، منابع ارزشمندی برای ترسیم و تحلیل تاریخ فرهنگی- اجتماعی چند وجهی هستند (نورایی و ابوالحسن ترقی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۸). استفاده از این روش باعث می‌شود که مَورخ فرهنگی به استخراج آیین‌ها، باورها، زبان بومی و نشانه‌های فرهنگی یک منطقه روستایی از دل داده‌های واقعی، توفیق یابد. این روش بر حافظه زیسته اهالی منطقه استوار است و برای فهم تجربه‌های روزمره، احساسات و معناهای فرهنگی، کارآمدتر از هر روشی است (دورینگ، ۱۳۷۸: ۳۰-۳۲). روایت شفاهی عمدتاً تجربه، خاطره، برداشت و تفسیر مردم را ثبت می‌کند. روایت شفاهی گرچه با فراموشی مواجه است اما می‌تواند لایه‌های هویتی، نمادین، و عاطفی فرهنگ روستا را نشان بدهد و این چیزی است که در اسناد و سایر منابع، نامکشوف و پنهان است (دلاور، ۱۴۰۱: ۴۳-۴۹ و ۱۶۸).

رویکرد «روندپژوهی» (مطالعه روندی) به بررسی پدیده‌های فرهنگی از نمونه‌های مختلف در طول زمان می‌پردازد. این روش برای مطالعه و پژوهش درباره تحولات فرهنگی روستا در مقاطع مختلف تاریخی بسیار موثر است. این روش به معنای بررسی تغییرات یک پدیده در طول زمان به منظور فهم مسیر گذشته؛ وضعیت حال، و جهت احتمالی آینده آن است. این روش بر این فرض استوار است که اگر الگوی تغییرات یک پدیده شناخته شود می‌توان ادامه یا دگرگونی آنرا هم تحلیل کرد. در این روش، پژوهشگر ابتدا یک پدیده مهم را انتخاب می‌کند و سپس سیر تحول آنرا از گذشته تا امروز دنبال کرده و سپس احتمال تداوم، توقف و یا تغییر مسیر آنرا مورد بررسی قرار می‌دهد. روندپژوهی صرفاً برای ثبت گذشته نیست بلکه بر آن است تا داده‌های تاریخی را برای فهم آینده به کار بندد (لورنتس، ۱۳۹۹: ۱۰۵). ویژگی عمده این روش در آن است که تصویر پیوسته‌ای از تغییرات را ارائه می‌دهد و برای فهم آینده هم بسیار کاربردی است. به عبارت دیگر در روندپژوهی به ردگیری مُنظَم یک تغییر در طول زمان می‌پردازیم تا برای فهم آینده استفاده شود. در پژوهش‌های تاریخ فرهنگی روستا از این روش برای مطالعه دگرگونی‌های فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی می‌توان بهره گرفت.

روش مطالعه‌ی «اسنادی- تاریخی» برای کشف داده‌های جدیدی از طریق تحلیل اسناد، متون، نقشه‌های قدیمی، و روایات مکتوب درباره روستا مفید است (یزدانی، ۱۴۰۱: ۴۲-۴۳). این روش در بازسازی هویت فرهنگی روستا از نقش کلیدی برخوردار است زیرا «گذشته‌ی زیسته‌ی روستا» را از سطح روایت‌های کلی به سطح جزئیات واقعی زندگی مردم می‌آورد. این اسناد نشان می‌دهند که مردم یک روستا چگونه زندگی می‌کرده و چه ارزش‌هایی داشته‌اند و نسبت آنان را با زمین، مذهب، خانواده و نهادهای محلی را مشخص می‌کنند. اسناد همچنین به مورخ فرهنگی کمک می‌کنند تا باورها، آیین‌ها، زبان بومی و نشانه‌های فرهنگی یک منطقه را از دل داده‌های تاریخی استخراج نماید. اسناد محلی باعث می‌شود که حافظه تاریخی، تکمیل

مقاله پژوهشی

و حتی تصحیح شود لذا برای بازسازی تاریخ فرهنگی دقیق‌تر به مراجعه به اسناد نیازمندیم (شهیدی و بیدهندی، ۱۳۹۲: ۸۷-۱۰۸).

روش «مشاهده و تجربیات زیسته» هم با تاکید و تکیه بر مشاهدات مستقیم پژوهش‌گر از فرهنگ روستا و مشاهدات میدانی و انسان‌شناختی به روند تکوین پژوهش فرهنگی درباره روستا کمک می‌کند. این روش یکی از بنیادی‌ترین روش‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی بویژه انسان‌شناسی به شمار می‌رود (پلتو، ۱۳۷۵: ۱۹۹-۲۰۱). در این روش، مَورخ فرهنگی اساساً یک ناظر بیرونی نیست بلکه در زندگی روزمره و فعالیت‌های گروه و روستای مورد مطالعه، وارد می‌شود تا از درون به درک معانی، فرهنگ و رفتارهای آنان نایل آید (فلیک، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

۴. الگوی پژوهش مبتنی بر تاریخ فرهنگی در ایران

برای انجام یک پژوهش تاریخ فرهنگی در ایران نیاز به برداشتن چند گام هستیم؛ **گام اول:** «طرح و انتخاب مساله فرهنگی»: به این معنا که به جای طرح پرسش (چه اتفاقی افتاد؟)، باید به این شکل سوال کرد که «این رخداد چه معنایی برای مردم آن زمان داشته است؟». مثلاً به جای بررسی فتح تهران توسط مشروطه خواهان در سال ۱۲۸۸ ه.ش باید این گونه پرسش کرد که فتح تهران چگونه در اشعار عامیانه، نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و نوحه‌های مُحَرَّم انعکاس پیدا کرده است؟.

گام دوم برای انجام پژوهش فرهنگی را باید «گردآوری اسناد و منابع فرهنگی» برشمرد. در واقع، یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز روش‌شناختی تاریخ فرهنگی از سایر گونه‌های تاریخ‌نگاری در گسترده کردن مفهوم سند و منبع پژوهش است؛ زیرا در تاریخ فرهنگی از هر شیء و عنصری که بتوان به یک معنا دست یابیم به مثابه منبع پژوهش یاد می‌شود. برخی از اسناد فرهنگی عبارتند از؛ متون غیررسمی نامه‌های شخصی، وصیت نامه‌ها، وقف‌نامه‌های محلی، سنگ قبرها، فرهنگ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها، قصه‌های عامیانه، ترانه‌های محلی، تصاویر و اشیاء نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، عکس‌ها، قالی‌ها، سفال‌ها، لباس‌های محلی، آیین‌ها و مناسک مُحَرَّم، نوروز، قالی‌شویان، نخل‌گردانی، مراسم عروسی و عزا، فضاها، شهری و معماری همچون حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها، بازارها، و کوچه پس‌کوچه‌ها و ...

گام سوم در پژوهش مبتنی بر کاربرست رویکرد تاریخ فرهنگی را باید «تحلیل و تفسیر» دانست که به مثابه هسته اصلی روش، حایز کمال اهمیت است. در این مرحله می‌توان از سه تکنیک بهره گرفت؛ **(الف)** نشانه‌شناسی: یعنی رمزگشایی از نشانه‌ها که در این مرحله هر چیزی می‌تواند یک نشانه باشد مثلاً رنگ لباس، طرز نشستن، نوع غذا و ... در این خصوص می‌توان گفت در دوره قاجار پوشیدن کت و شلوار نشانه تجدد بود و عمامه و عبای بلند نشانه سنت و مشروعیت مذهبی بود. **(ب)** هرمنوتیک و تفسیر لایه‌ای: در اینجا باید یک متن یا آیین را در چندلایه معنا کرد؛ لایه ظاهری، لایه نمادین، لایه ایدئولوژیک (احمدی، ۱۳۷۰: ۵۲-۵۵ و ۱۴۵). برای مثال مراسم قالی شویان در مشهد اردهاال در لایه اول شستن قالی تحلیل می‌شود. در لایه دوم به تفسیر بزرگداشت یک قهرمان مذهبی باید پرداخت و در لایه سوم بازتولید همبستگی جمعی روستاییان در برابر خشکسالی و بیگانگان را می‌توان تفسیر کرد. **(ج)** تحلیل گفتمان: نشان می‌دهد قدرت چگونه از طریق زبان و فرهنگ عمل می‌کند؟ چه چیزهایی گفته می‌شود و چه چیزهایی گفته نمی‌شود؟

مقاله پژوهشی

۵. الگوی گیرتز و نسبت آن با تاریخ فرهنگی روستا

کتاب «تفسیر فرهنگ‌ها» از کلیفورد گیرتز^۱ را باید نقطه عطفی در انسان‌شناسی و تاریخ فرهنگی به شمار آورد. این اثر به تاسیس رویکردی پرداخته که به انسان‌شناسی تفسیری شهرت دارد. گیرتز در این کتاب می‌کوشد تا رویکرد اثبات‌گرایانه به فرهنگ را به چالش بکشاند و به ارایه پارادایم جدیدی برای مَورخان فرهنگی همت گمارد. ابعاد اصلی اندیشه و رویکرد گیرتز را در این کتاب می‌توان به شرح ذیل بررسی کرد؛

الف) توجه گیرتز به فرهنگ به مثابه تارهای معنا: او با الهام از ماکس وبر^۲ بر این باور است که انسان موجودی است که در تارهای معنا که خودش تنیده، قرار دارد و فرهنگ هم چیزی جز همین تارها نیست. تاکید گیرتز بر این است که انسان‌شناسی و تاریخ فرهنگی نباید به دنبال قوانین کلی، عام و تعمیم باشد بلکه هدف آن باید «تفسیر معانی» باشد یعنی باید به طرح این پرسش پرداخت که: کنش‌های انسانی برای کنش‌گران چه معنایی داشته است؟.

ب) روش توصیف فربه: این مفهوم را باید مهم ترین مفهوم روش شناختی گیرتز دانست و به معنای آن است که ثبت و تحلیل کنش ها در لایه های متعدد بافتار و زمینه فرهنگی، تاریخی، و نمادین آنان صورت بگیرد. او در بررسی «جنگ خروس-ها» که به ظاهر، صرفاً یک مسابقه خونین است، با توصیف فربه به تفسیر آن بازی پرداخته و آنرا به منزلت اجتماعی، حیثیت، مردانگی، و جایگاه فرد در قشربندی جامعه بالی مرتبط می‌سازد. لذا یک رخداد ساده از طریق توصیف فربه به مثابه «متن فرهنگی» در می‌آید که برای رمزگشایی از جهان بینی قوم بالی باید مورد مطالعه عمیق قرار بگیرد (گیرتس، ۱۳۹۸: ۹-۱۶).

(ج) فرهنگ به مثابه متن و نظام نمادین: گیرتز از فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از نظام‌های نمادین سخن می‌گوید که مردم از طریق آنها به سامان‌دهی تجربه خود از زندگی و جهان پیرامون می‌پردازند. او در فصول کتاب، از دین و ایدئولوژی نیز به مثابه «نظام‌های فرهنگی» سخن می‌گوید. یعنی باورهای دینی و سیاسی را صرفاً انعکاسی از منافع مادی نمی‌داند بلکه آنان را چارچوب‌های معنایی می‌بیند که به انسان‌ها برای مواجهه با ابهام، رنج و بی‌عدالتی، نظم و معنا می‌بخشد (گیرتز، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۷۹).

این رویکرد گیرتز برای مورخ فرهنگی حداقل دارای سه نوع دستاورد اصلی است؛ الف) تغییر در پرسش: به این معنا که پرسش مورخ فرهنگ از «چه اتفاقی افتاد؟» به سوی اینکه «کنش یا رویداد مشخص برای مردم آن دوره و آن مکان چه معنایی داشته است؟» تغییر می‌یابد. ب) اهمیت بافتار یا زمینه: در رویکرد مورخ فرهنگی هر پدیده تاریخی در شبکه پیچیده روابط نمادین و اجتماعی خاص خود تفسیر می‌شود و نمی‌توان آنرا با معیارهای فراتاریخی و جهانی سنجید. ج) تفسیر: به عقیده گیرتز کار مورخ فرهنگی همانا «تفسیر تفاسیر» است. به این معنا که مورخ فرهنگی در حال تفسیر متن فرهنگی‌ای است که خود آن نیز برآمده و برآیند تفسیر کنش‌گران از زندگی‌شان بوده است. لذا مورخ فرهنگی باید نسبت به چارچوب‌های ذهنی خودآگاه باشد و از قطعیت‌گرایی در تاریخ پرهیز نماید. گیرتز به پژوهش‌گر فرهنگ می‌آمورد که فرهنگ، معمایی نیست که باید آنرا حل کرد بلکه متنی است که باید آنرا خواند و فهمید.

¹ Clifford Geertz

² Max Weber

مقاله پژوهشی

برای عملیاتی کردن رویکردِ «توصیف فربه» گیرتز در تاریخ معاصر ایران می‌توان رخداد تنباکو در عصر ناصرالدین شاه را مثال زد و آنرا در قالب توصیف فربه این گونه تبیین نمود؛ **(الف)** بررسی نمادهای مادی: تنباکو در آن دوره فقط یک کالا نبود بلکه مصرف قلیان و چپق در مجالس بازاریان و روحانیون به مثابه بخش مهمی از هویت مردانگی و جایگاه اجتماعی آنان به شمار می‌رفت. لذا واگذاری امتیاز تنباکو به بیگانگان به معنای نفوذ ناپاک اروپایی‌ها به لایه‌های صمیمی زندگی روزمره بود. **(ب)** بافتار اجتماعی- اقتصادی: از این منظر، بازار تهران یک متن بوده و تحریم تنباکو در آنجا یک کنش اقتصادی صرف نبوده بلکه یک «درام آیینی» بود که طی آن، بازاریان و روحانیون با بستن دکان‌ها و تجمع در مساجد باعث به چالش کشیدن نظم کهنه امنیتی حکومت شدند. در واقع، هر حرکتی در این اعتراض (مثل قلیان نکشیدن) به مثابه یک جمله در این متن فرهنگی تلقی می‌شده است. با رویکرد توصیف فربه می‌توان واکنش شاه و عقب‌نشینی او و لغو امتیازنامه تنباکو را این گونه تفسیر کرد که؛ این اقدام شاه نه تنها یک پیروزی سیاسی برای مردم بلکه به معنای تغییر در مناسک قدرت بود که برای اولین بار اراده عمومی در قالب نمادهای مذهبی تجلی یافت و توانست بر اراده شاه غلبه نماید. بنابراین و همانطور که روشن است، مورخ فرهنگی ضمن توصیف فربه از جریان تنباکو آنرا به یک متنِ «سیاسی- مذهبی» تبدیل کرده تا نشان بدهد که معنای اصلی آن رخداد نه در لغو قرارداد بلکه در تغییر نسبت میان دین، بازار، و قدرت در ذهنیت ایرانیان آن دوره بوده است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که کاربست رویکرد فرهنگی و «توصیف فربه» گیرتز به مورخ فرهنگی در ایران به مثابه یک «ذره بین»، عمل می‌کند که به او امکان و قدرت دیدن لایه‌های زیرین و پنهان معنا را می‌دهد و مورخ فرهنگی بدین ترتیب، تاریخ را از کلیشه‌های جبرگرایانه سیاسی و اقتصادی نجات می‌دهد.

برای تحلیل تاریخ فرهنگی روستا با بهره‌گیری از نظریه گیرتز باید روستا را نه یک واحد جغرافیایی و اقتصادی بلکه آنرا همچون «متن فرهنگی» دید که ساکنان آن، زندگی خود را از طریق آن، معنا می‌بخشند. در این رویکرد، تاریخ فرهنگی روستا همانا تاریخ «معناها و نمادهایی» است که مردم روستا در تار و پود زندگی روزمره شان تنیده اند. برای پیاده سازی این رویکرد می‌توان از چند گام استفاده کرد؛

گام اول: انتخاب متن فرهنگی برای توصیف فره: در اینجا، مورخ فرهنگی به جای پرداختن به کلیات، به انتخاب یک پدیده فرهنگی در روستا می‌پردازد و این متن می‌تواند هر چیزی باشد که حامل معنا است از جمله آیین‌ها و مناسک (مراسم عروسی، سوگواری، باران‌خواهی، جشن‌های مرتبط با کشاورزی مثل جشن خرمن)، فرهنگ مادی (اعم از معماری خانه‌ها، پوشش محلی، ابزارآلات کشاورزی، نوع چیدمان فضای روستا)، ادبیات شفاهی (ترانه‌های کار اعم از ترانه‌های دوشیدن گوسفند و یا ترانه‌های خرمن‌کوبی)، ضرب‌المثل‌های محلی، افسانه‌ها و لایه‌ها، باورها و اعتقادات (باورهای عامیانه درباره طبیعت، بیماری، نحسی و فرخندگی، نحوه تعامل با اموات یا نیاکان).

گام دوم: کاوش و جستجوی لایه‌های معنا (رمزگشایی): این مرحله پس از انتخاب متن، شروع می‌شود. در اینجا مَورخ فرهنگی می‌کوشد تا پدیده را فراتر از کارکرد ظاهری‌اش بلکه در معانی عمیق‌تر پشت آن ببیند. مثلاً؛ پژوهشی درباره منطقه موکریان با بهره‌گیری از رویکرد گیرتز انجام شده که در آن، ترانه‌های کار نه فقط سرودهای ساده بلکه متونی برای تحلیل پدیده‌های فرهنگی در نظر گرفته شده است. در موضوعی دیگر، بررسی روابط اجتماعی توجه شده است و اینکه این پدیده چه

مقاله پژوهشی

چیزی را درباره ساختار قدرت، روابط خویشاوندی، و مناسبات جنسیتی در روستا آشکار می‌کند مثلاً تحلیل ضرب‌المثل‌های روستای مراغی در الموت نشان داده که این ضرب‌المثل‌ها، چگونه ارزش‌های فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و روابط قدرت را بازتولید کرده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۹۵-۱۲۲). در بررسی عمیق دیگر می‌توان به تعامل روستا با طبیعت توجه کرد که باورها و آیین‌های روستایی اغلب ریشه در تعامل فرهنگ-طبیعت و محیط پیرامون دارند (کوش، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵)؛ مثلاً نماد گرگ در تاریخ و فرهنگ ایران در بستر جامعه دام‌پرور به نمادی برای هرج و مرج و نیروهای ضدتمدن تبدیل شده است.

گام سوم؛ تفسیر در بستر تاریخی (تاریخ‌مندی معنا): گیرتز بر اهمیت بافتار و زمینه^۱ برای فهم معنا تأکید دارد. یک پدیده فرهنگی در روستا را نمی‌توان جدای از تاریخ تفسیر کرد. در این راستا باید تغییرات معنایی و گسست‌های معنایی یک رخداد را در طول زمان بررسی کرد. به این معنا که باید مورخ فرهنگی بررسی نماید که معنای یک آیین یا باور در طول زمان، تحت تأثیر عوامل گوناگونی همچون تغییرات سیاسی، اقتصادی و مذهبی، چگونه دگرگون شده است. مثلاً مطالعه نماد گرگ در ایران نشان می‌دهد که این نماد در ادوار مختلف با لایه‌های معنایی تازه‌ای اعم از معانی مذهبی، سیاسی، دینی، و اقتصادی همراه شده است. در این گام لازم است که مورخ فرهنگی پرسش نماید که این پدیده در روستا چگونه با ساختارهای قدرت (دولت، مالک، بزرگان روستا) در ارتباط بوده است. آیا ابزاری برای مقاومت در برابر این قدرت‌ها بوده یا عاملی برای مشروعیت-بخشی به آنان؟ طرح این سنخ پرسش‌ها باعث می‌شود تا تحلیل مورخ فرهنگی از «توصیف صرف» به سوی «تحلیل انتقادی» ارتقا یابد.

مورخ فرهنگی ضمن کاربردی مدل تفسیری گیرتز، فرهنگ روستا را به مثابه یک متن و منبع مهم برای تفسیر در نظر می‌گیرد و بر توصیف فربه تأکید دارد. هدف تاریخ‌نگار فرهنگی در اینجا کشف لایه‌های پنهان معنا در کنش‌ها، آیین‌ها، و نمادهای زندگی روزمره روستاییان است. او ضمن انتخاب یک پدیده فرهنگی خاص به موشکافی آن در بافتار اجتماعی و تاریخی‌اش می‌پردازد (خدیش، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۷ و ۵۵)؛ مثلاً ترانه‌های کار را نه فقط یک سرود بلکه متنی برای تحلیل پدیده‌های فرهنگی در نظر می‌گیرد. لذا به مخاطبان این امکان را می‌دهد که جهان‌بینی و نظام معنایی روستاییان از دریچه نگاه خودشان راه یابد.

یکی دیگر از راه‌های تفسیر عمیق را می‌توان با کاربردی مدل «اقتصاد اخلاقی» بر مبنای نظریه ادوارد پالمیر تامپسون برای تبیین تاریخ روستا انجام داد. در واقع، این مدل بر باورها و انتظارات جمعی مردم در مورد عدالت و انصاف اقتصادی تأکید دارد. هدف از این روش تفسیر همانا تبیین کنش‌های جمعی اعم از شورش، اعتراض و مقاومت روزمره بر اساس «قرارداد نانوشته» بین فرودستان و حاکمان است (فتاحی‌زاده و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۸۹-۱۰۶). روش انجام چنین کاری برای مورخ فرهنگی می‌تواند این باشد که بررسی نماید که روستاییان در مورد وظایف متقابل خود با مالک یا دولت چه باورهایی داشتند. مثلاً شورش‌های نان را نه فقط واکنشی به گرانی بلکه پاسخی به شکستن اقتصاد اخلاقی و نقض عدالت مورد انتظار برشمرد (یزدانی، ۱۴۰۱: ۴۳-۴۶ و ۶۴-۶۵).

رویکرد دیگری که برای تحلیل تاریخ فرهنگی روستا می‌تواند از سوی مورخ فرهنگی به کار بسته شود رویکرد «باستان-شناسی تاریخی» است یعنی تحلیل بقایای مادی (معماری، سفال، ابزارها) برای بازسازی زندگی روزمره و همچنین مردم

¹. Context

مقاله پژوهشی

شناسی، قوم باستان شناسی که مقایسه داده های باستان شناسی با مشاهدات مردم شناختی از زندگی معاصر روستاییان، و تاریخ شفاهی یعنی انجام مصاحبه های عمیق با روستاییان مَسْن برای ثبت روایت های شفاهی، خاطرات و دانش بومی روستاییان. بیلینگتون از این روش با عنوان «قوم نگاری فرهنگ» یاد می کند (بیلینگتون و همکاران، ۱۳۸۰: ۷).

در این مدل تاریخ از پایین بر بازسازی تاریخ از منظر عامه مردم و فرودستان به جای نخبگان و حاکمان تاکید می‌شود. بدین ترتیب، صدای خاموش روستاییان که در منابع تاریخی رسمی بازتاب چندانی نداشته را می‌توان برجسته‌سازی کرد. روش این کار تمرکز بر اسناد و مدارکی که از دل زندگی مردم عادی برخاسته است اعم از اسناد وقف، عرایض، شکایات، صورت مجالس محلی، و خاطرات. ویژگی این کار به مورخ فرهنگی، این امکان را می‌دهد تا به تجربه زیسته روستاییان و عاملیت تاریخی آنان پی ببرد.

«رویکرد ترکیبی» می‌تواند به مَورخ فرهنگی فهم جامع‌تری از معنا را در باب زیست اجتماعی و فرهنگی روستاییان ارایه دهد؛ مثلاً با طرح این پرسش که زندگی روزمره و جهان بینی مردم روستا چگونه بوده است؟ ضمن کاربرست مدل تفسیری گیرتر به توصیف فربه از آیین‌ها و ترانه‌ها، و معماری برای رسیدن به منطق درونی فرهنگ روستا کمک می‌کند. همچنین با طرح پرسش چرا روستاییان در برهه‌ای خاص شورش کرده‌اند یا مقاومت کردند؟ با نظریه و روش «اقتصاد اخلاقی»^۱ تامپسون می‌توان ضمن شناسایی «قرارداد نانوشته» میان ارباب و رعیت و تبیین علل شکستن این قرارداد به فهم عمیقی از مناسبات اجتماعی و فرهنگی آنان پرداخت. با طرح این پرسش که زیرساخت‌های مادی (آب، زمین، و مسکن) چگونه فرهنگ را شکل داده‌اند؟ می‌توان با رویکردی میان رشته‌ای باستان‌شناسی/جغرافیای تاریخی به بازسازی اکوسیستم انسانی و تاثیر آن بر مناسبات اجتماعی نایل آمد و نهایتاً با طرح پرسش نقش فرودستان و زنان در تحولات تاریخی چه بوده است؟، می‌توان از لابلای شکایت‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها، و خاطرات به فهم تاریخ از پایین در جامعه روستایی رسید. در واقع، ضمن کاوش در فرهنگ مادی و بافت تاریخی روستا اعم از مسجد، حمام، آب‌انبارها، خانه‌های اعیانی، و کپرهای فرودستان از یک سو و سپس سندشناسی و بررسی اسناد مالکیت (وقف‌نامه‌ها) و عرایض و شکایات می‌توان به طرح مساله فرهنگی پرداخت و سپس با «توصیف فربه» از رخداد یا آیین به استخراج پدیده‌ای خاص از دل بافتار فرهنگی همت گمارد.

۶. منابع فرهنگی برای پژوهش در تاریخ فرهنگی روستاهای ایران

الف) بازنمایی روستا در منابع رسمی و خبرگانی

تاریخ فرهنگی به جای پذیرش گزارش سفرنامه‌ها، اسناد دولتی و عکس‌ها به مثابه «واقعیت عینی» سعی در تحلیل آنان به عنوان متن یا تصویری «ساخته شده» دارد. این سنخ از بازنمایی را باید بخشی از تاریخ فرهنگی برشمرد. این رویکرد را باید یکی از مهم‌ترین روش‌های پرقدرتی برشمرد که باعث پیوند بین تاریخ و انسان‌شناسی فرهنگی شده است. در این روش و با کاربست درست آن، این امکان وجود دارد تا در نبود مشاهده مستقیم، از طریق منابع غیرمستقیم به منطق فرهنگی در روستاهای هر مقطع زمانه دست یافت. از جمله در بازسازی آیین‌ها و مناسک می‌توان ساختار و کارکرد آیین‌های گوناگون را

¹. Moral Economy

مقاله پژوهشی

بازسازی کرد و نشان داد که چگونه نظم اجتماعی و رابطه با طبیعت را تولید می‌کرده‌اند. مصاحبه‌های عمیق با تمرکز بر حافظه جمعی و روایت‌های محلی از خشکسالی، شورش و ... می‌تواند به آشکار شدن و کشف لایه‌های فرهنگی پنهان روستایی، کمک نماید (ببی، ۱۳۹۰: ۶۱۱-۶۱۲).

ب) فرهنگ مادی روستاها به مثابه امری منبع شناختی

تاریخ فرهنگی به اشیاء و فضاها به مثابه حاملان معنا نگاه می‌کند لذا در بررسی روستاهای هر دوره تاریخی لازم است که به تحلیل معماری بومی از منظر کاربرد فرهنگی فضاها (اندرونی و بیرونی، جایگاه اصطبل و انبار، فضای عمومی، تکیه به مثابه عرصه ابراز قدرت یا همبستگی) و نه از نظر سبک بنا پرداخت. اشیاء روزمره اعم از ظروف سفالی و ابزارهای کشاورزی، پوشاک محلی و زیورآلات هم می‌تواند با رویکرد مورخ فرهنگی کمک نمایند و پرسش مورخ فرهنگی در بررسی این منابع باید این باشد که این اشیاء چه روابط اجتماعی و باورهای را بازتولید می‌کنند؟

ج) بررسی تاریخ روستا از طریق مطالعه «احساسات و عواطف»

در این رویکرد پرسش این است که مردمان گذشته روستاها چگونه احساسات را تجربه و ابراز می‌کرده‌اند؟ مثلاً تحلیل مرثیه‌ها و نوحه‌های محلی باید به منظور درک الگوهای اندوه و همدردی صورت پذیرد. یا اینکه در بررسی دعانوشته‌ها و طلسم‌ها باید به درک ترس از بخت بد و چشم زخم یا بلاهای طبیعی توجه داشت. تاریخ فرهنگی روستا نشان می‌دهد که اسلام رسمی و فقهاتی در لایه‌های عامیانه چگونه دگرگون شده است. در این رویکرد، زیارتگاه‌های محلی و امام‌زاده‌ها و قدمگاه‌ها نه به مثابه یک مکان مذهبی بلکه به عنوان نماد هویت قلمرو روستایی و محل رفع منازعات مورد توجه قرار می‌گیرند.

د) بازتاب تاریخ روستا در ادبیات عامه و فولکلور

ادبیات و فولکلور در ابتدا، بازتاب فرهنگ عامه و سپس انعکاس واقعیت‌های اجتماعی است؛ در فولکلور می‌توان مستندسازی باورها، آداب و رسوم مردم را مشاهده کرد (استریناتی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۸ و ۴۹). زبان عامیانه و ادبیات توده ضمن کاربست و بهره‌گیری از زبان عامیانه به مثابه یک نوآوری ادبی به انعکاس یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اصلی هویت ملی ایران در داستان-هایش پرداخته است. طنز و نقد اجتماعی نیز ضمن بهره‌گیری از تکنیک‌هایی همچون اغراق و موقعیت‌های طنزآمیز سعی بر آن دارد تا ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را به چالش بکشد و در نهایت در اصلاح امور بکوشد (صیامیان گرجی، احمدوند و کارگر جهرمی، ۱۳۹۶: ۱۸۹-۲۱۸).

در ادبیات جدید می‌توان یافت که هویت ملی و نمادهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی به مثابه میراث فرهنگی به خلق فضایی اصیل و ایرانی کمک کرده که گویای دغدغه هویت ملی ایرانی در دوره معاصر است. تاریخ فرهنگی به واقع ضمن بررسی جامعه‌شناختی ادبیات و تحلیل منابع داستانی و فولکلور از این منظر، باعث آشکار کردن روابط بین شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوره مولف اثر، منجر می‌شود. طنز به مثابه سنجی از فرهنگ اعتراض در ادبیات ایران معاصر به مثابه گفتمانی سیاسی درآمده که علاوه بر نقد آیین‌های رایج باعث به چالش کشیدن نظام سنتی قدرت می‌شده است.

مقاله پژوهشی

در ادبیات معاصر ایران به مثابه منبعی مهم در تحلیل تاریخ فرهنگی شهر و روستا می‌توان شاهد بازنمایی تضادهای فرهنگی هم بود. تقابل سنت/ مدرنیته، شهر/ روستا و... و شخصیت‌های داستانی در ادبیات فولکلور به این شکل بازنمایی شده‌اند. تحلیل جامعه‌شناختی اسناد و منابع را می‌توان از طریق کشف گزاره‌های فرهنگی در مکاتبات خصوصی یافت. در واقع، لایه‌های فرهنگی در این آثار باعث کشف و بازنمایی اعماق تاریخ فرهنگی ایران می‌شود.

تاریخ فرهنگی در سنت دانشگاهی امروز صرفاً به ثبت رویدادهای بزرگ سیاسی و نظامی نمی‌پردازد بلکه هدف تاریخ فرهنگی همانا، مطالعه و بررسی عمیق فرهنگ مردم عادی است. این شاخه از تاریخ سعی بر آن دارد تا باورها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، هنر عامه، و زندگی روزمره را مرکز و کانون توجه خود قرار دهد. به عبارت دیگر، در منابع تاریخ فرهنگی عمده تلاش مورخ فرهنگی این است که صدای مردم کوچه و بازار را به گوش مخاطبان برساند. لذا تمرکز بر زندگی، آداب و رسوم، باورها و مسائل مردم عادی باعث ارتقاء تاریخ‌نگاری از پایین شده و منابع ادبیات در دوره قاجار آیین تمام‌نمای جامعه آن روزگار هستند و گاه سیاست، فرهنگ، و اقتصاد در دل روایت‌های طنزآمیز جان دوباره می‌گیرد و به شکل جدید و متفاوتی، بازنمایی می‌شود.

مهم‌ترین عنصر فرهنگی انعکاس‌یافته در ادبیات ایران دوره معاصر، ثبت و پاسداشت زبان عامیانه است. این امر به چنین منابعی، وجهه تاریخ‌نگارانه بخشیده است. در واقع، وارد شدن زبان محاوره و کوچه بازاری به قلمرو ادبیات مُعتبر مانع از فراموشی آن شده و این کار علاوه بر این که یک نوآوری ادبی بلکه کنشی فرهنگی برای مستندسازی بخش مهمی از هویت ملی ایران بوده و به تحلیل‌های فرهنگی، ژرفای کم‌نظیری می‌بخشد و بستری برای روایت فرهنگی شده است. قالب داستان در این سنخ از ادبیات به ابزاری نوین برای ثبت و بازتاب تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران خلق کرده و نویسندگان زیادی به ترویج و بسط این گونه ادبیات همت گماردند. ادبیات جدید ضمن ثبت زنده فرهنگ عامه در قالب داستان و قصه باعث شده که هم‌گنجینه ارزشمندی از تاریخ فرهنگی برای مخاطبان حفظ شود و هم بنیان‌های اولیه تاریخ فرهنگی جدید در ایران را شکل دهد.

(ه) منابع مردم شناختی - فرهنگی

مطالعات مردم‌شناختی و فرهنگی نیز یکی دیگر از گونه‌های منابع مطرح برای کشف عمیق‌تر جامعه و فرهنگ هستند. این سنخ از مطالعات باعث پیوند دانش انسان‌شناسی با عمق تاریخ و فرهنگ بومی ایران می‌شود. انعکاس شاخه‌های دانشی میان رشته‌ای از جمله فرهنگ عامه، آداب و رسوم، مردم‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی ساختار شهر، محله‌ها و خانواده، سنت‌های خانوادگی، دین، مناسک و باورهای عامیانه و در واقع، مردم‌شناسی دین در قالب بررسی نظام‌های اعتقادی، مناسک و آیین‌های مذهبی ایران، بررسی خوراک، پوشاک و معیشت و فرهنگ غذایی و آداب و رسوم آن هر کدام بیانگر اهمیت این سنخ از مطالعات در پژوهش‌های نوین تاریخی است. رویکرد تاریخ فرهنگی باعث می‌شود که فرهنگ مردم با تمام لایه‌های زنده و پویای خود به متن تاریخ وارد شود و نمادهای فرهنگی در منابع تاریخ‌نگاری جدید برجسته شود (استوری، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۷).

در این رویکرد، همانا مردم راویان اصلی تاریخ هستند و تاریخ را مردم می‌سازند. از طریق تاریخ فرهنگی امکان این بوجود می‌-

مقاله پژوهشی

آید که صدای شخصیت‌های گمنام به تاریخ بازگردانده شود. فرهنگ اصیل روستایی در تاریخ فرهنگی جان می‌گیرد و روستا به مثابه عامل و حامل ارزش‌ها و توانمندی‌های حقیقی تمدن ایرانی مطرح می‌شود.

(و) «متون ادبی» به مثابه منبع پژوهش فرهنگی

در متون ادبی می توان انعکاس آیین ها و باورهای عامه و عناصر مهم فولکلوریک (فرهنگ عامه) را به وفور یافت و بازتاب گسترده آیین ها، ضرب المثل ها، اصطلاحات عامیانه و هنرهای محلی در این متون می تواند به بازنمایی گونه های مختلفی از قرائت ها و خوانش های فرهنگی کمک نماید (طولابی در؛ احمدزاده، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۹۹-۳۱۶). مردمی شدن تاریخ از طریق تاریخ فرهنگی امکان وقوع دارد و او تاریخ را از انحصار تحلیل نخبگانی و سیاسی وقایع خارج نموده و محور تاریخ فرهنگی همانا زندگی روزمره، باورها و مشکلات مردم عادی قرار می گیرد.

تاریخ فرهنگی علاوه بر همه موارد فوق‌الذکر و در راستای گسترش حوزه موضوعی تاریخ می‌تواند به بازنمایی نقش زنان در فرهنگ و اقتصاد نیز کمک نماید (کلنر، ۱۹۹۴: ۱۴۰). تاریخ فرهنگی رویکردی پیشروانه در این عرصه دارد و زنان را نه صرفاً به مثابه سوژه تاریخی بلکه به عنوان عاملی فعال در شکل بخشیدن به پویایی های فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران معاصر مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌دهد. لذا، مردمی کردن تاریخ و بازتاب فرهنگ عامه در قالب مثل‌ها و اصطلاحات محلی و تاریخ‌نگاری محلی با رویکرد تاریخ فرهنگی امکان‌پذیر است. بنا به روایت تاریخ فرهنگی اساساً تاریخ حقیقی در کوچه و بازار، خانه‌ها و کارگاه‌ها و در دل باورها و زندگی روزمره مردم، جریان دارد. در این میان منابع مهمی برای این روایت مردمی را برای تاریخ ایران معاصر می‌توان بازخوانی کرد؛ منابعی اعم از نامه‌های عاشقانه، وقف‌نامه‌های محلی، سنگ قبرهای معمولی که به مثابه سند تاریخی قابل مطالعه هستند و از دل آنان می‌توان داده‌های فرهنگی و اجتماعی را استخراج کرد.

مُورخ فرهنگی گرچه منابع تاریخ محلی را مورد کنکاش و بررسی عمیق قرار می‌دهد اما با نگاهی مردم‌شناختی بر آن است تا یک روستای قدیمی را به مثابه یک متن مردم‌شناختی مورد بازبینی قرار دهد تا مخاطبان از خلال آن با کلیت فرهنگ ایرانی آشنا شوند. برای مثال می‌توان از بررسی نقش قهوه‌خانه‌ها در شکل‌دهی به اخلاقیات محلی سخن گفت و یا به تحلیل فرهنگی از مفاهیم اخلاقی در بافت جامعه سنتی ایران پرداخت.

در تاریخ فرهنگی این امکان روش‌شناختی و منبع‌شناختی وجود دارد که یک مساله محلی را به سطح یک موضوع و مساله ملی ارتقا داد. بازتاب فرهنگ عامه و فولکلور را می‌توان در یک ضرب‌المثل، یک اصطلاح محلی، یک چیستان، یک لالایی، یک خرافه عامیانه و ... دید. انعکاس این عناصر فرهنگی در منابع به مثابه امری تزینی بلکه به عنوان شواهد پراهمیت تاریخی باید مَطْمَحِ نظرِ مُورخ فرهنگی واقع شود. مثلاً در لالایی‌های مادرانه می‌توان آروزی‌های یک جامعه را برای پسران و دختران کشف کرد. بنابراین، در خوانش فرهنگی این امکان وجود دارد که فولکلور به مثابه منبع دست اول تاریخی و نه صرفاً سرگرمی یا حاشیه تاریخی، مورد بهره‌برداری قرار داد.

مقاله پژوهشی

(ز) فرهنگ عامه در روستاهای دوره قاجار

این فرهنگ محصول تلاقی سه لایه مهم بوده ؛ الف) باورهای کهن بازمانده از ایران باستان، ب) تعالیم و آموزه های دینی اسلام، ج) واقعیت های سخت زندگی معیشتی. یکی از مهم ترین منابع بررسی فرهنگ عامه همانا گنجینه شفاهی و گویش های محلی است که این امر در ادبیات شفاهی غنی روستا اعم از نقالی، قصه های پریان، لالایی ها، چیستان ها و ضرب المثل ها به عنوان ابزارهای سرگرمی در روستاها می شود و در آموزش و انتقال ارزش های اخلاقی و تاریخی موثر بوده اند (ناصریخت، ۱۳۹۴: ۶۷-۷۳). از سوی دیگر، در روستاهای ایران شاهد تنوع زبانی شگفت انگیزی هستیم به طوری که در روستاهای همجوار چنان گویش ها و لهجه های متفاوتی وجود دارد که ساکنان یک روستا از درک گویش روستای دیگر عاجزند.

منبع مهم دیگری که در مطالعه تاریخ فرهنگی روستاها در ایران دوره قاجار باید مدنظر و مورد توجه مورخ فرهنگی واقع شود موسیقی، آواز، و ترانه‌ها است. در واقع، این منابع بخش جدایی ناپذیری از زندگی روزمره و آیین‌های جمعی بوده که موسیقی به هنگام کار کشاورزی و یا موسیقی در مراسم عروسی و سوگواری به مثابه راوی داستان‌های حماسی و عاشقانه در قالب تصنیف‌ها و ترانه‌های محلی جریان داشته است.

منبع حایز اهمیت دیگر برای مورخ فرهنگی جهت مطالعه و تحلیل تاریخ روستاها را بازی ها، سرگرمی های محلی تشکیل می دهند. عمده بازی های روستایی پرهیجان، ساده و گروهی بوده اند و با ابزارهای ابتدایی اجرا می شدند که از جمله آنان می توان از هفت سنگ، الک و دولک، قایم موشک، گرگم و گله می برم، کشتی محلی، تیر و کمان، طناب بازی، بادبادک بازی و ... سخن گفت که همه این موارد در فضای باز انجام می شده است.

یکی دیگر از منابع تاریخ فرهنگی روستاها در ایران را باید خوراک، پوشاک و معیشت دانست؛ در واقع، اینها جزو فرهنگ مادی هر منطقه هستند و بازتابی از وضعیت اقلیمی و اقتصادی هر منطقه بوده‌اند. در مورد پوشاک باید به سادگی و کاربردی بودن آن اشاره کرد و لباس‌های روستاییان عمدتاً از پارچه‌های درشت‌باف محلی اعم از چلوار و پشم و به رنگ‌های سفید، آبی یا راه راه درست می‌شده است. اما در مورد خوراک باید گفت تنوع و وضعیت خوراکی هر منطقه برگرفته از زمین آن منطقه روستایی بود. قوت غالب مردم ایران از گندم، جو و بلوط بوده و غذای اصلی طبقات فقیر را نان، لبنیات و سبزیجات تشکیل می‌داده است.

باورها و آیین‌ها و دانش بومی یکی دیگر از منابع فهم تحولات فرهنگی روستاییان ایران است که باید از سوی مَورخ فرهنگی مَطمح نظر واقع شود؛ یکی از نمونه‌های روشن اینکه باورهای کهن با دین، آمیختگی جدی پیدا کرده بود و باور به سعد و نحس ایام، طلسم‌ها، و دعانویسی در کنار باورهای اسلامی در شرایط سخت و ناملایمات روزگار به یاری روستاییان می‌آمده و این ناملایمات شامل بیماری، قحطی، و خشکسالی بوده است. از سوی دیگر، برگزاری آیین‌های کهن نوروزی در روستاها با شور خاصی همراه بوده و عروسی‌ها با آوازهای شاد محلی برگزار می‌شد و باعث شغف و شادی در جامعه می‌شده است. دانش بومی روستاییان در تطابق و سازگاری با اقلیم و طبیعت بوده به گونه‌ای که روستاییان برای مقابله با خشکسالی و مدیریت منابع به ابداع شیوه‌های هوشمندانه‌ای برای استفاده از قنات مبادرت می‌کردند.

مقاله پژوهشی

برای بررسی تاریخ فرهنگی روستا می‌توان موضوع را به چند محور اصلی تقسیم کرد؛ هویت، آیین‌ها، حافظه جمعی، نهادهای محلی، تغییرات تاریخی، ادبیات و... در واقع، در مطالعه تاریخ روستا مواردی همچون تاریخ شفاهی، شجره‌نامه‌ها، آداب و رسوم، موزه‌های روستایی، نهادهای فرهنگی برای بازسازی تاریخ فرهنگی آن بسیار مهم هستند (بختیاری، ۱۴۰۳: ۴۱۹-۴۲۸). در بررسی روستا از منظر فرهنگی باید نقش سنت‌ها، زبان، دین، و مناسک در شکل‌گیری هویت روستایی، روابط خویشاوندی، طایفه‌ای، حافظه شفاهی، تاثیر آموزش و نهادهای فرهنگی بر زندگی را بررسی کرد. پرسش مهم در این رابطه این است که جستجو شود؛ فرهنگ روستا چگونه در طول زمان منتقل شده است و چه عناصر مادی و غیرمادی هویت روستایی را می‌سازند؟ تاثیر مدرن شدن بر آیین‌ها، معماری، و روابط فرهنگی و اجتماعی روستا چه بوده است؟ چگونه می‌توان از تاریخ شفاهی برای ثبت تجربه‌های روستایی بهره برد؟.

منابع و روش‌های متعددی برای کشف پاسخ به این پرسش‌ها وجود دارد از جمله روش تاریخ شفاهی و مصاحبه عمیق با معتمدان، سالمندان، زنان، و کنشگران محلی روستا، بررسی اسناد محلی از جمله وقف نامه‌ها، قبالة‌ها، شجره‌نامه‌ها، و عکس‌های قدیمی. منابع مردم‌نگاری همچون مشاهده آیین‌ها، مراسم و الگوهای زیست روزمره، تحلیل فرهنگ مادی روستا همچون خانه‌ها، ابزار کشاورزی، پوشاک و صنایع دستی (کوثری، ۱۳۹۱: ۱۷۳. نبوی، بی‌تا: ۹۸). تاریخ فرهنگی روستا می‌تواند شامل فرهنگ بومی روستا، آداب و رسوم روستایی، هویت فرهنگی روستا، مردم‌شناسی روستا، تاریخ شفاهی روستا و روستانشینی باشد.

ح) موضوع شدن «زنان» در پژوهش فرهنگی

در تاریخ‌نگاری سنتی ایران اساساً از نقش زنان فرودست شهری و روستایی خبری نبوده اما در تاریخ فرهنگی، زنان نه در حاشیه بلکه در متن اقتصاد و فرهنگ سنتی ایران، قرار دارند. این موضوع و مساله مهم را در پرتو مطالعه منابع تاریخ فرهنگی اعم از اسناد شرعی، وقف نامه‌ها و... می‌توان یافت. در دوره قاجار می‌توان دید که چگونه زنان در کسب و کارهای مهمی همچون بافندگی، قالب‌بافی، و حتی مالکیت حمام‌ها موثر بوده‌اند. علاوه بر همه این موارد می‌توان به نقش زنان در انتقال فرهنگ شفاهی اعم از قصه‌گویی، ترانه‌سرایی، و مراسم جمعی اشاره داشت که چنین مواردی، آنان را به مثابه مُعرفانِ فرهنگِ نامرئی ارتقا می‌دهد. لذا، تاریخ‌نگار فرهنگی با بسط و گسترش تلقی از منبع مورد پژوهش به مطالعه شواهد میدانی و اسنادی نیز بپردازد (ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۲۴).

یکی از اصول روش‌شناختی در تاریخ فرهنگی کاربست طنز، نثر و ادبیات عامیانه به مثابه منبع پژوهش است؛ در واقع، در رویکرد مورخ فرهنگی از طنز نه به مثابه شوخی‌های سطحی بلکه همچون یک رویکرد روش‌شناختی بهره گرفته می‌شود. مورخ فرهنگی می‌کوشد تا با استفاده از طنز تلخ و شیرین به انعکاس واقعیت‌های تاریخی ظاهراً ناملموس، همت گمارد. لذا تاریخ‌نگاری فرهنگی آمیخته به طنز اجتماعی، ریشه در ادبیات کهن ایرانی و فارسی و کسانی همچون عبید زاکانی هم دارد اما در تاریخ فرهنگی، این طنز اجتماعی در قالب پژوهش مدرن تاریخی ارایه می‌شود. مورخ فرهنگی گاه در نقش قصه‌گوی تاریخ، نمود خارجی می‌یابد؛ در تاریخ‌نگاری فرهنگی در باب گذشته به نوعی «باستان‌شناسی فرهنگی» صورت می‌گیرد. و در این راه از تاریخ، مردم‌شناسی، و ادبیات به مثابه آجرهای بنای فرهنگی استفاده می‌شود. این گونه‌ی تاریخ‌نویسی در قالب سه شکل

مقاله پژوهشی

مستندسازی، تحلیل مردم‌شناختی، و هویت‌بخشی به بازنماییِ امر تاریخی مُبادرت می‌کند و ماحصل آن، بازگرداندن صدای مردم عادی به متن تاریخ و ادبیات ایران است.

۸۸-۹۰). زبان عامیانه شهری در قالب تاریخ‌نگاری فرهنگی وارد ادبیات می‌شود. اصطلاحات کوچه بازاری، فحش‌های نرم، و کنایه‌های رایج در قالب نثر ساده و ادبی انعکاس می‌یابد و بدین ترتیب، تابوی زبان فاخر می‌شکند. هدف مهم مورخ فرهنگی همانا نجات زبان محلی از فراموشی است.

در تاریخ فرهنگی از فولکلور به عنوان سند تاریخی و گنجینه هویت استفاده می شود؛ مثلاً با رویکردی مردم شناختی به واکاوی یک لایه‌ی پرداخته تا نقش زن در خانواده سنتی نشان داده شود. بررسی لایه‌ی‌ها به مثابه یک منبع مهم در تاریخ-نگاری فرهنگی با رویکردی کارکردگرایانه و انتقادی صورت می‌گیرد و مساله او هویت بخشی به کُنش زنانه در یک مقطع مهم تاریخی است.

در تاریخ فرهنگی به نقش فرهنگی زنان توجه می‌شود و زنان عمدتاً به عنوان قربانی سنت‌های مردسالارانه از جمله ازدواج اجباری، بی‌سوادی، حبس در خانه و ... مطرح می‌شوند (قنادان و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۵۲)، اما از کُنش‌گری و عاملیت آنان در عرصه فرهنگ و اقتصاد از جمله در عرصه‌های بافندگی، مالکیت، حمام، قصه‌گویی، و انتقال فرهنگ شفاهی تجلیل می‌شود. این رویکرد از طریق کاربست نگاهی تاریخی و مستند به منظور آشکارسازی نقش زنان در تاریخ صورت می‌گیرد. مورخ فرهنگی همچنین به تلفیق کار میدانی با نظریه اهتمام دارد و در این راه از مبانی انسان‌شناسی فرهنگی بهره می‌برد (برک، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۹).

۷. چارچوب‌های تحلیلی برای خوانش تاریخ فرهنگی روستا

یکی از این چارچوب‌ها همانا مطالعه تاریخ روستا در قالب تحلیل عامل‌های کلان است. در این چارچوب می‌توان بر چهار مولفه امنیت، مسئولیت حاکمان، جایگاه ایران در بازارهای جهانی، و تلاش برای مدرنیزاسیون کشاورزی را بررسی کرد.

یک چارچوب مهم دیگر این است که تاریخ فرهنگی روستاها را با محوریت بازخوانی تاریخ‌نگاری محلی قاجاریه بررسی کرد زیرا عصر قاجار را باید دوره طلایی تاریخ‌نگاری محلی دانست. مورخ فرهنگی در این راستا می‌تواند از منظرهای متفاوتی به گردآوری و تحلیل داده‌های پراکنده درباره اقلیم، معیشت، آداب و رسوم و رخدادهای طبیعی یک ناحیه بپردازد.

چارچوب سوم و قابل توجه دیگر این است که مورخ فرهنگی در باستان شناسی روستاهای دوره قاجار بکوشد. در این راستا باید به کاوش در بناهای شاخص اعم از حمام ها، آب انبارها، و خانه‌های اعیانی و مقایسه آن با اسناد بازمانده برای آزمودن فرضیه‌های تاریخی و تحلیل رابطه سطوح مختلف قدرت با روستاها توجه کرد.

مقاله پژوهشی

چارچوب چهارم همانا نگاه و مطالعه تاریخ فرهنگی روستا در پرتو اسناد خصوصی و اسناد خُرد است. در اینجا می‌توان به استفاده از اسناد خصوصی اعم از قراردادهای آبیاری، اجاره‌نامه‌ها، نامه‌های شخصی و اسناد شرعی پرداخت تا در پرتو آن به آزمون حدس‌های تاریخی و تحلیل رابطه سطوح مختلف قدرت با روستاها دست یافت (خلیلی، ۱۳۹۰: ۵۹-۹۲).

نتیجہ

منظور از تاریخ روستا می‌تواند نوعی بررسی تاریخ محلی، زندگی روزمره و یا بررسی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی روستا باشد اما تاریخ فرهنگی نیز شامل بررسی باورها، آیین‌ها، هنر، ادبیات و تحولات فکری می‌شود. در واقع، تاریخ روستا جزئی از تاریخ فرهنگی است و برای پیوند دادن این دو می‌توان مثلاً به طرح موضوعاتی میان رشته‌ای و ترکیبی پرداخت که از جمله اقتصاد کشاورزی و آیین‌های مرتبط، مهاجرت روستاییان و انتقال فرهنگ، اسناد وقف‌نامه و کتابخانه‌های روستایی. در بررسی تاریخ فرهنگی یک روستا می‌توان دو مسیر را از هم تفکیک کرد؛ الف) تاریخ رویدادی روستا: شامل تغییرات جمعیتی، مالکیت، معیشت، بلایای طبیعی. ب) تاریخ فرهنگی روستا: بررسی و تحلیل آداب، گویش، باورها، و ادبیات شفاهی است. پرداختن به تاریخ روستا در دوره قاجار مستلزم کنکاش در لایه‌های پنهان تاریخ اجتماعی ایران است. رویکرد روش‌شناختی به این حوزه بر اساس سه پایه اصلی استوار است: تکررگرایی روش‌شناختی، خوانش انتقادی و پرسش‌گرانه از منابع، بهره‌گیری از چارچوب‌های تحلیلی میان‌رشته‌ای؛ مورخ فرهنگی در تکررگرایی روش‌شناختی و به منظور شنیدن و انعکاس صدای روستاییان به تاریخ از پایین باید روی آورد که در دورن خود سه نگرش و رویکرد را دارد؛ روش توصیفی - تحلیلی: که این روش با اتکا به داده‌های پراکنده از اسناد و منابع به استخراج الگوهای حاکم بر ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه روستایی می‌پردازد. روش تاریخ تحلیل مفهومی: در این روش، پژوهشگر فرهنگی، ضمن در کانون قرار دادن یک مفهوم کلیدی، روستا را به مثابه بستری برای مطالعه نظام‌های مدیریتی و محیطی در تعامل با نیروهای سیاسی و جهانی تحلیل می‌کند. در رویکرد سوم با عنوان «بازیابی اسناد بومی و محلی»، ضمن جایگزینی تاریخ‌نگاری از بالا و با تمرکز بر منابعی همچون اسناد آرشیوی اعم از مالیات و زمین به مطالعه سفرنامه‌ها و گزارش‌های کنسولی که جزئیات مهمی از تاریخ زندگی روزمره را ارائه می‌دهند و با مراجعه به قراردادهای محلی برای بازسازی روابط اجتماعی و مناسبات تولید و عکس‌ها و نقشه‌ها استفاده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی موزه فرهنگی برای مطالعه تاریخ روستایی ایران، عدم انعکاس صدای مستقیم روستاییان در اسناد رسمی است که مورخ باید با روش‌هایی به بازسازی صدای آنان اهتمام ورزد. یکی از راه‌های شنیدن صدای روستاییان را باید «خوانشِ برعکسِ اسناد حکومتی» دانست. در این روش، باید به تحلیل دقیق اسناد مالیاتی، مالکیتی، و اداری برای استخراج داده‌هایی در مورد ظرفیت تولید، شیوه معیشت، و مهاجرت روستاییان پرداخت. مورخان مکتب آنال ضمن ملاحظه کمبود اسناد و آمار مدون برای نگارش تاریخ، از این روش برای تحلیل ساختارهای عمیق زمان طولانی (زمین، اقلیم و اقتصاد) بهره گرفت. راه دوم برای کشف بیشتر داده‌های تاریخی در بررسی فرهنگی روستاها این است که به خوانش مقایسه‌ای از اسناد و منابع محلی اهتمام ورزید. در واقع، با خواندن و کنار هم قرار دادن منابع، امکان کشف تصویر قابل اتکایی از وضعیت عام روستاها فراهم می‌شود.

تضاد منافع

بدین وسیله نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارد.

تشکر و قدردانی (اختیاری)

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن، تهران، نشر مرکز، چاپ دوازدهم.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه آریا پاک‌نظر، تهران، گام نو.
- استوری، جان (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران، نشر آگه.
- بی، ارل (۱۳۹۰). روش‌شناسی کاربردی تحقیق در علوم انسانی، ترجمه کامران فیضی و حسین رضوی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- بشیری، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، پویان.
- بختیاری، محمد (۱۴۰۳). جامعه روستایی ایران در دوره قاجار، تهران، امیرکبیر.
- برک، پیتر (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگی چیست؟، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بیلینگتون، روزاموند و همکاران (۱۳۸۰). فرهنگ و جامعه: جامعه‌شناسی فرهنگ، ترجمه فریبا عرب‌دفتری، تهران، نشر قطره.
- پلتو، پرتی. ژ (۱۳۷۵). روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۷). ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ اول.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). بازخوانی نیت‌مند اسناد در پژوهش‌های تاریخی، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دوم، شماره هفتم، ص ۵۹-۹۲.
- دلاور، علی (۱۴۰۱). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش، چاپ پنجاه و شش.
- دورینگ، سایمون (۱۳۷۸). مطالعات فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، موسسه آینده پویان.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱). کاربرد ضرب المثل در شعر شاعران ایرانی، پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۲۱، ص ۹۵-۱۲۲.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات فرهنگی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). تأثیر بافت متنی بر معنای متن، زبان‌پژوهی، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۰۹-۱۲۴.
- شهیدی، نازنین و بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۲). رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۷، ص ۸۷-۱۰۸.
- صیامیان گرجی، زهره، احمدوند، عباس و فاطمه کارگر جهرمی (۱۳۹۶). خندیدن در نوع ادبی طنز و تاریخ اجتماعی فرهنگی ایران در قرون میانه اسلامی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال هفتم، شماره اول، ص ۱۸۹-۲۱۸.

مقاله پژوهشی

- طولابی، توران، ادبیات عامه به منزله پژوهش در تاریخ فرهنگی: جستاری درباره جایگاه زنان در فرهنگ لرستان، در احمدزاده، محمدامیر (۱۳۹۳)، تاملاتی در باب تاریخ فرهنگی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول، ص ۲۹۹-۳۱۶.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۷). تاریخ فرهنگی ایران مدرن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتاحی زاده، ابوذکر و عبداللهی، محمدجواد (۱۳۹۸). مساله عاملیت سیاسی فرودستان در تاریخ فرهنگی: یک مطالعه مقایسه‌ای، دوفصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۳، پیاپی ۱۰۸، ص ۸۹-۱۰۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ دهم.
- قنادان، منصور، ناهید مطیع و هدایت الله ستوده (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران، آوای نور.
- کلارک، الیزابت (۱۳۹۷). تاریخ، متن، نظریه: مورخان و چرخش زبانی، ترجمه سیدهاشم آقاجری، تهران، مروارید.
- کوثری، مسعود (۱۳۹۱). روش کیفی در؛ رهیافت و روش در علوم سیاسی، به اهتمام عباس منوچهری، تهران، سمت.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- گیرتس، کلیفورد (۱۳۹۸). تفسیر فرهنگ‌ها، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ثالث.
- لورنتس، کریس (۱۳۹۹). بساخت گذشته: درآمدی بر نظریه تاریخ، ترجمه ماریا ناصر، تهران، سمت.
- مالینوفسکی، برانسیلاو (۱۳۷۹). نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، تهران، گام نو.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی میشل فوکو، تهران، گل آذین.
- ناصریخت، محمدحسین (۱۳۹۴). سرگرمی‌های مردم تهران در دوره قاجار، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نبوی، بهروز (بی‌تا). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، کتابخانه فروردین.
- نورایی، مرتضی، ابوالحسن ترقی، مهدی (۱۳۹۴). تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران ۱۳۵۸-۱۳۸۵، تهران، پژوهشکده تاریخ ایران.
- هدایت، صادق (۱۴۰۳)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران، نشر چشمه.
- یزدانی، سهراب (۱۴۰۱). روستاییان و مشروطیت ایران، تهران، نشر ماهی.

Kolner, Douglas (1994), Social Theory and Cultural Studies, in Sociology after Postmodernism (Ed), David Owan, London, Sage Publication.

Williams, Raymond (1981). The Sociology of Culture, New York, Schocken Books.

Ahmadi, Babak (1991). Text Structure and Interpretation, Tehran, Markaz Publishing House, 12th edition.

مقاله پژوهشی

Strinaty, Dominic (2001). Introduction to the Theories of Popular Culture, translated by Aria Pak-Nazar, Tehran, Gam-No.

Story, John (2007). Cultural Studies on Popular Culture, translated by Hossein Payandeh, Tehran, Agh Publishing House.

Baby, Earl (2011). Applied Methodology of Research in the Humanities, translated by Kamran Feizi and Hossein Razavi, Tehran, Industrial Managers Organization.

Bashirieh, Hossein (2000). Theories of Culture in the Twentieth Century, Tehran, Pouyan.

Bakhtiari, Mohammad (2004). Rural Society of Iran in the Qajar Period, Tehran, Amir Kabir.

Burke, Peter (2000). What is Cultural History?, translated by Nematollah Fazeli and Morteza Ghalich, Islamic History Research Institute.

Billington, Rosamund et al. (2001). Culture and Society: Sociology of Culture, translated by Fariba Arab Daftari, Tehran, Ghatre Publishing.

Plato, Perti. J. (1996). Research Methodology in Anthropology, translated by Mohsen Salasi, Tehran, Scientific Publications.

Khadish, Pegah (2008). Morphology of Magical Legends, Tehran, Scientific and Cultural Publications, First Edition.

Khalili, Mohsen (2011). Intentional Rereading of Documents in Historical Research, Cultural History Studies, Second Year, Issue 7, pp. 59-92.

Delavar, Ali (2012). Research Methodology in Psychology and Educational Sciences, Tehran, Editorial Publishing, Fifty-sixth Edition.

Doering, Simon (2000). Cultural Studies, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran, Ayandeh Pouyan Institute.

Zolfaghari, Hassan (2012). The Use of Proverbs in the Poetry of Iranian Poets, Mystical Literature Studies, Issue 21, pp. 95-122.

Rezaei, Mohammad (2005). An Introduction to Cultural Studies, Tehran, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

Sassani, Farhad (2010). The Effect of Textual Context on the Meaning of the Text, Linguistics, Year 2, Issue 3, pp. 109-124.

Shahidi, Nazanin and Bidhendi, Mehrdad (2013). The Approach of Cultural History and Its Possibility and Benefits in Iranian Architectural Studies, Quarterly Journal of Cultural History Studies, Issue 17, pp. 87-108.

Siamian-Gorji, Zohreh, Ahmadvand, Abbas and Fatemeh Kargar Jahromi (2017). Laughing in the Literary Genre of Satire and the Social and Cultural History of Iran in the Islamic Middle Ages, Social History Research, Year 7, Issue 1, pp. 189-218.

Tolabi, Turan, Popular Literature as a Research in Cultural History: A Study on the Position of Women in Lorestan Culture, in Ahmadzadeh, Mohammad Amir (2014), Reflections on Cultural History, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies, Volume 1, pp. 299-316.

مقاله پژوهشی

- Fazeli, Nematollah (2018). Cultural History of Modern Iran, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Fattahizadeh, Abuzar and Abdollahi, Mohammad Javad (2019). The Problem of Political Agency of the Subordinates in Cultural History: A Comparative Study, Bi-Quarterly Historiography and Historiography, Year 29, No. 23, Serial 108, pp. 89-107.
- Fakuhi, Naser (2002). History of Thought and Anthropological Theories, Tehran, Ney Publishing.
- Flick, Uwe (2018). An Introduction to Qualitative Research, translated by Hadi Jalili; Tehran, Ney Publishing, 10th Edition.
- Qanadan, Mansour, Nahid Moti and Hedayatollah Sotoudeh (1996). Sociology of Key Concepts, Tehran, Avae Noor.
- Clark, Elizabeth (2018). History, Text, Theory: Historians and the Linguistic Turn, translated by Seyyed Hashem Aghajari, Tehran, Morvarid.
- Kowsari, Masoud (2012). Qualitative Method in; Approach and Method in Political Science, edited by Abbas Manouchehri, Tehran, Samt.
- Koosh, Danny (2002). The Concept of Culture in the Social Sciences, translated by Fereydoun Vahida, Tehran, Research Center of the Iranian Broadcasting Corporation.
- Geertz, Clifford (2019). Interpretation of Cultures, translated by Mohsen Salasi, Tehran, Sales.
- Lorentz, Chris (2019). Constructing the Past: An Introduction to the Theory of History, translated by Maria Nasser, Tehran, Samt.
- Malinowski, Branislav (2000). A Scientific Theory of Culture, translated by Abdolhamid Zarrin Ghalam, Tehran, Gam No.
- Mohammadi Asl, Abbas (2013). Michel Foucault's Sociology, Tehran, Gol Azin.
- Naser Bakht, Mohammad Hossein (2015). Tehran People's Hobbies in the Qajar Period, Tehran, Cultural Research Office.
- Nabavi, Behrouz (Bita). An Introduction to Research Methods in Social Sciences, Tehran, Farvardin Library.
- Nouraei, Morteza, Abolhassan Tarqehi, Mehdi (2015). Oral History and Its Place in Contemporary Iranian Historiography 1358-1385, Tehran, Iranian History Research Institute.
- Hedayat, Sadegh (2014). Folk Culture of the Iranian People, Tehran, Cheshmeh Publishing House.
- Yazdani, Sohrab (2012). Villagers and the Constitutionalism of Iran, Tehran, Mahi Publishing House.